

مدل تبیینی ژئوپولیتیک پاکستان در حوزه رقابت و همکاری با جمهوری اسلامی ایران (با تاکید بر موقعیت و نقش آفرینی منطقه ای)

محمد اقتدار نژاد**

دکتر علیرضا محرابی*

چکیده

مطالعه ژئوپولیتیک پاکستان در حوزه رقابت و همکاری با جمهوری اسلامی ایران موضوع اصلی پژوهش حاضر را تشکیل می دهد. این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی در صدد پاسخ گویی به این سوال است که تا چه میزان چالش های ژئوپولیتیک و رقابت های ناسازگار پاکستان با ایران، بر روابط دو کشور تاثیر گذار است؟ فرضیه در نظر گرفته شده نیز بیانگر آن است که چالش های ژئوپولیتیک و رقابت های ناسازگار پاکستان، همکاری های آن کشور با ایران را تحت تاثیر قرار داده و تضعیف کرده است. نگاهی به مدل تحلیل ژئوپولیتیک پاکستان نشان می دهد که همکاری های آن کشور با ایران در مسائلی نظیر سازمان کنفرانس اسلامی، اکو، مسائل قومیتی، خط لوله گاز ایران-هند(انرژی) و گروه d-8 نهفته شده است. گرچه پاکستان به حفظ و نگهداری روابط دوستانه و صمیمانه با ایران به عنوان یکی از مهم ترین مولفه ها برای امنیت خود و منطقه می نگرد، اما عملکرد این کشور در قبال مسائل منطقه ای و رقابت با ایران، بارها منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به چالش کشیده و یا حتی به مخاطره انداخته است. از جمله چالش ها و رقابت های ناسازگار ژئوپولیتیکی بین دو کشور می توان به مسائل ایدئولوژیکی،

* Email: a_mehrabi@sbu.ac.i

دانشیار گروه جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

** Email: m.eghtedar@chmail.ir

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

مسائل هسته ای، نوع نگرش دو کشور به آسیای مرکزی و افغانستان، مسائل مرزی و رقابت بندرگوادر با بندر چابهار اشاره کرد.

کلیدواژه ها: ژئوپلیتیک، ایران، پاکستان، رقابت، همکاری.

مقدمه

ژئوپولیتیک Geopolitic در طی قرن بیست و یک دوره های پرفراز و نشیبی راپشت سرگذاشته است. بعد از این که واژه ژئوپولیتیک توسط رودلف کیلن سوئدی مطرح گردید. (حافظ نیا، ۱۳۸۴: ۲۳)، هاوس هوفر در دستگاه حکومتی آلمان نازی از آن جهت اهداف توسعه طلبانه آن کشور استفاده کرد (همان: ۲۴) به این خاطر پس از جنگ جهانی دوم، ژئوپولیتیک وارد دوره افول ورکود شد. تا این که در دوره پس از جنگ سرد و پس از گذشت چندسال هنری کسینجر آمریکایی پایان این افول را رقم زد (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۱۹۵). کسینجر در کتاب "سال های کاخ سفید" از عناوینی چون: اهمیت ژئوپولیتیک، علایق ژئوپولیتیک، واقعیت ژئوپولیتیک و چالش و نتایج ژئوپولیتیک در سیاست خارجی آمریکا استفاده می کند (امیری، ۱۳۹۰: ۲۳-۲۴). پس از پایان جنگ سرد و فروپاشی شوروی، دو تفکر همزمان در روابط بین الملل شکل گرفت: ۱- تفکر هژمونی مطلق و تک قطبی سلسله مراتبی ۲- تفکر منطقه گرایی و نظم منطقه ای.

در پی تحولات در ساختار قدرت بین المللی و موقعیت های در حال تغییر سیاسی اقتصادی در صحنه بین المللی، حوزه نفوذ قدرت های بین المللی نیز تغییر یافته و به تبع آن مناطق جدید قدرت در دنیا شکل گرفتند. یکی از این مهم ترین مناطق جدید، منطقه آسیای جنوب غربی است. آسیای جنوب غربی در حقیقت منطقه واسطه سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است که از پنج حوزه ژئوپولیتیک: آسیای مرکزی، شبه قاره، قفقاز، خلیج فارس و خاورمیانه شکل می گیرد (رضایی، ۱۳۸۴: ۱). کشور پاکستان که در این منطقه ژئوپولیتیک می گنجد به خاطر قرار گرفتن در مسیر ارتباطی آسیای جنوب شرقی و شرق به خاورمیانه و اروپا، همسایگی قدرت های جهانی و منطقه ای، منطقه آسیای مرکزی و قفقاز از اهمیت زیادی در صحنه بین المللی برخوردار بوده است. به طوریکه در اکثر نظریات ژئوپولیتیک به

کشور پاکستان اشاره شده است (محمدی، ۱۳۸۵: ۱). با این وجود پاکستان درگیر چالش های داخلی و منطقه ای زیادی است. چالش هایی که اکثر کشورهای منطقه، از جمله ایران را تحت تاثیر قرار داده است. و این چالش ها می تواند همکاری های دو کشور ایران و پاکستان را در سطح منطقه تضعیف و یا تحت تاثیر قرار دهد. از آنجایی که کشور ایران در یکی از مناطق پنج گانه استراتژیک جهان واقع شده است و همچنین به لحاظ اهداف، علائق و منافع جهانی و نیز چالش ها و تهدیدات موجود جزو کشورهای مهمی است که به شدت نیازمند شناخت کشورهای پیرامونی خویش و دیگر کشورهای مهم بین المللی می باشند، شناخت محیط پیرامونی و تحلیل ژئوپولیتیک کشورهای همسایه از مهم ترین عواملی است که در راستای برقراری و گسترش روابط دو جانبه باید مد نظر قرار گیرد. در نتیجه جمهوری اسلامی ایران برای این که بتواند بر چالش ها و تنگناهای پیرامونی غلبه، و چالش و رقابت های ناسازگار ژئوپولیتیک را به همکاری تبدیل کند، در مرحله نخست نیازمند مطالعه دقیق ژئوپولیتیک کشورهای منطقه و شناخت آن ها و در مرحله دوم تدوین سیاست خارجی باید مبتنی بر مبانی علمی ژئوپولیتیک باشد. بدیهی است که عوامل مورد مطالعه صرفاً راهنمای اولیه ای برای محققین بوده و به هیچ وجه جنبه پیشنهادآورانه نداشته است، بلکه می تواند به درک کامل تری از شناخت ویژگی ها و ریشه یابی رقابت ها و همکاری های منطقه ای بین دو کشور منجر شود.

با توجه به مقدمه بالا نوشتار حاضر بر آن است تا وضعیت ژئوپولیتیک پاکستان را در حوزه رقابت و همکاری با جمهوری اسلامی ایران مورد بحث و بررسی قرار دهد.

چارچوب نظری و پیشینه ی تحقیق

ژئوپولیتیک یا سیاست جغرافیایی اثر محیط و اشکال یا پدیده های محیطی، چون موقعیت جغرافیایی، شکل زمین، منابع کمیاب، امکانات ارتباطی و انتقالی (زمینی، دریایی، فضایی، هوایی) و غیره را در تصمیم گیری های سیاسی به ویژه در سطوح گسترده منطقه ای و جهانی مطالعه و بررسی می کند. در این برخورد است که به نظر می رسد عمده توجه ژئوپولیتیک به رقابت میان "قدرت های" سیاسی و اشکال دگرگون شونده سلسله مراتب قدرت در جهان است؛ سلسله مراتبی که دستاورد بازی هایی سیاسی منطقه ای یا جهانی

میان قدرت هاست. در این راه، ژئوپولیتیک از موقعیت های جغرافیایی زمین، حساسیت های استراتژیک دریایی و خشکی، منابع کمیاب اقتصادی و انرژی و آبی استفاده کند تا سیاست خارجی حکومت را پیش برد یا برتری خواهی های سیاسی منطقه ای و جهانی قدرت راجامه عمل پوشاند (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۱۳۸ و ۱۳۹).

نگاهی ژرف به تعاریف گوناگون ژئوپولیتیک نشان می دهد که این رشته علمی دارای مفاهیم متفاوتی همچون دانش کسب قدرت، دانش رقابت و تاثیر عوامل جغرافیایی بر سیاست و روابط کشورها، دانش برخوردهای نظامی و غیره می باشد. پس از پایان جنگ سرد ژئوپولیتیک به عنوان عاملی برای واقع گرا نمودن سیاست خارجی کشورها به صورت روزافزونی مورد توجه قرار گرفت. رابرت والترز استراتژیست آمریکایی در جهت واقع گرایانه شدن سیاست خارجی با عوامل جغرافیایی می گوید "ژئوپولیتیک عبارت است از تاثیرگذاری واقعیات جغرافیایی بر سیاست از جمله؛ موقعیت جغرافیایی، منابع، تحرک، حمل و نقل و تغییرات تکنولوژی" (رحمانی آذر، ۱۳۸۷: ۲۸).

حافظ نیا معتقد است که ژئوپولیتیک یک مفهوم ترکیبی است که در آن سه عنصر اصلی یعنی جغرافیا، قدرت و سیاست دارای خصلت ذاتی می باشند، ترکیب سه پارامتر جغرافیا، قدرت و سیاست الگوهای متشکل انسانی را نسبت به یکدیگر تعیین می کند. این الگوهای رفتاری در قالب اشکالی از جمله: نوسان قدرت، رقابت، همگرایی، واگرایی، نفوذ، بحران، سلطه، همکاری، جنگ، آرامش و ثبات و غیره نمایان می شوند. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۲۵) ایولاکوست، جغرافیدان فرانسوی می گوید: ژئوپولیتیک مجموعه پیچیده ای از نیروهای متخاصم و متضادی است که بر سرزمین های با ابعاد کوچک، خواه به منظور تفوق سیاسی و خواه برای بیرون راندن رقبا با یکدیگر به کشمکش می پردازند. (پیشگاهی فرد، ۱۳۸۷: ۳) و درکنار هر کشمکش و تنش ژئوپولیتیکی یک عامل اقتصادی خودنمایی می کند (شفیعی، ۱۳۸۸: ۵۱). اما این به معنای حل و فصل بحران های ژئوپولیتیکی و ایدئولوژیکی میان دولتها و ملت ها نیست. زیرا بحران ها و اختلافات ژئوپولیتیکی از پایداری و تداوم نسبی برخوردار بوده و به سادگی قابل حل و فصل نیستند. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۸)

اکثر این رقابت ها و چالش ها در سطح منطقه بروز می کنند. مجتهدزاده از منطقه به عنوان پدیده ای ژئوپولیتیکی یاد می کند و می افزاید: از نظر فیزیکی، یک منطقه باید محیط یک پارچه ای باشد، یا دست کم دارای ویژگی های جغرافیایی و استراتژیک مشابهی باشد؛ از جمله واقع شدن در یک محیط بیابانی یا دریایی یا واقع شدن در یک شبه قاره و غیره. در همین راستا کوهن بر این باور است که محیط از نظر استراتژیک یک پارچه نیست، بلکه دنیایی اساساً از هم گسیخته و تقسیم شده به چند منطقه جدا از هم است. در برخورد با این تئوری وی از مفهوم جغرافیایی "منطقه" بهره می گیرد. کوهن دو نوع دسته بندی جغرافیایی را در نظر می گیرد. این دوگونه دسته بندی عبارتند از: ۱- منطقه های ژئواستراتژیک که نماینده ویژه ای از کنشها و واکنشها در دو بخش پهناور گیتی است. ۲- منطقه های ژئوپولیتیک که شامل بخش های جغرافیایی کوچکتر در داخل مناطق ژئواستراتژیک که معمولاً از تجانس بیشتری در یک یا همه زمینه های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی برخوردارند. (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۲۴۳)

با این وجود، جایگاه کشورها و مناطق مختلف در نظریات و اندیشه های ژئوپولیتیکی مورد توجه قرار گرفته است که از مهم ترین آنها می توان به نظریه ناحیه محور مکیندر و سرزمین حاشیه ای یا ریملند اسپایکمن اشاره کرد. در زمینه ی مدل تبیینی ژئوپولیتیک پاکستان در حوزه رقابت و همکاری با جمهوری اسلامی ایران، که بر موقعیت و نقش آفرینی منطقه ای تاکید داشته باشد، تحقیقات و مطالعات به حد کافی صورت نگرفته است. سهم تحقیقات جغرافیایی نیز در این میان اندک است. برخی از مقالات انجام شده در این زمینه به شرح زیر می باشد:

- ۱- عزت الله عزتی (۱۳۸۸) در مقاله ای تحت عنوان " ژئواکونومی انرژی و پیامدهای امنیتی آن بر سه کشور ایران، پاکستان و هند" معتقد است: در آینده شاهد تحولات بسیار زیادی در این سه کشور از لحاظ انتخاب متحدین استراتژیک منطقه ای و جهانی خواهیم بود و در این رابطه عامل انرژی به عنوان خمیرمایه این وحدت ژئواکونومیک خواهد بود.
- ۲- غلامعلی رحیمی (۱۳۸۷) در مقاله خود تحت عنوان " ارزیابی مکانیسم های قیمت گذاری صادرات گاز از طریق خط لوله. مطالعه موردی: خط لوله ایران - پاکستان - هند" مکانیسم

قیمت گذاری گاز صادراتی کشور از طریق خط لوله، در مقایسه با سایر مکانیسم ها مورد مقایسه و ارزیابی قرار می دهد و چالش های فراروی آن را تجزیه و تحلیل می کند.

تحلیل ژئوپلیتیک ایران

ایران در منطقه آسیای جنوب غربی و درحوزه ژئوپولیتیکی خاورمیانه واقع شده است. این کشور در شمال با دریای خزر، ارمنستان، آذربایجان و ترکمنستان هم مرز است. در جنوب به دریاهای آزاد راه دارد. از سمت غرب با ترکیه و عراق و در شرق با پاکستان و افغانستان همجوار است (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۲۳). آسیای جنوب غربی در حقیقت منطقه واسطه بین سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا است، که ایران در این منطقه، به نحو شدیدی از حوادث این سه قاره، متأثر است (صفوی، ۱۳۷۸: ۶۹). این منطقه از پنج حوزه ژئوپولیتیکی شامل: آسیای مرکزی، شبه قاره، قفقاز، خلیج فارس و خاورمیانه شکل می گیرد (رضایی، ۱۳۸۴: ۱) تنها حلقه اتصال دهنده این حوزه های متفاوت و جدای جغرافیایی، کشور ایران است که می تواند این سرزمین ها و حتی منابع و خصوصیات جغرافیایی آن ها را به هم مرتبط سازد (سلیمی، ۱۳۸۸: ۱۱۸). ایران باید در مطالعات خود منطقه آسیای جنوب غربی را مدنظر قرار دهد. چرا که این منطقه دارای موقعیت های ژئواستراتژیک، ژئوپولیتیک، ژئواکونومیک (نفت و گاز و به طور کلی انرژی، خطوط مواصلات بین المللی و موقعیت ترانزیتی) و ژئوکالچراست. منابعی که هیچ یک از کشورهای منطقه آسیای جنوب غربی از جمله پاکستان، ترکیه، عربستان و غیره از آنها برخوردار نیستند (رضایی، ۱۳۸۴: ۸). با این وجود، ایران در محیط پیرامونی خود همواره با چالش ها و مشکلات متعدد و مداوم روبرو بوده است. در حال حاضر تروریسم و افراط گرایی، دولت های ضعیف و بحران اقتدار، و همچنین مداخلات قدرت های فرامنطقه ای سه چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می شوند که با یکدیگر ارتباطی تنگاتنگ و چندبعدی دارند. از آنجا که رویکرد هژمونیک، منافع و اهداف قدرت فرامنطقه ای هژمون در اولویت قرار دارد و همچنین دولت ها به دوست و دشمن تقسیم می شوند، همکاری و مشارکت دولت های منطقه بر مبنای منافع طبیعی و بلند مدت خود در جهت ایجاد ساختار امنیتی پایدار و مبتنی

برهمکاری با دشواری های جدی مواجه می شود. جمهوری اسلامی ایران برای این که بتواند بر این تنگناها و چالش های ژئوپولیتیک غلبه کند در مرحله نخست نیازمند مطالعه دقیق ژئوپولیتیک کشورهای منطقه و در مرحله دوم تدوین سیاست خارجی مبتنی بر مبانی علمی ژئوپولیتیک می باشد.

تحلیل ژئوپولیتیک پاکستان

پاکستان در جنوب غربی آسیا در محدوده ۲۳ الی ۳۶ درجه عرض جغرافیایی و ۶۱ الی ۷۵ درجه طول شرقی واقع شده است. مساحت این کشور ۴۹۳ / ۸۰۲ مربع می باشد. طبق آمار سال ۲۰۱۰ کشور پاکستان با جمعیتی حدود ۱۸۰ میلیون نفر، ششمین کشور پرجمعیت دنیا به شمار می رود و دارای نرخ رشد جمعیت بالایی است. این کشور در آسیای جنوبی و قسمتی از آن نیز در خاورمیانه و فلات ایران واقع شده است. پاکستان مرز هزار کیلومتری با دریای عرب در قسمت جنوب دارد و از غرب با ایران، از شمال با افغانستان، از شرق با هندوستان و از شمال شرق با جمهوری خلق چین هم مرز است. (نقشه: ۱) (صفوی، ۱۳۷۸: ۲۱-۴۰). مولفه های ژئوپولیتیک کشور پاکستان از یک سو جغرافیایی و سیاسی بوده و از سوی دیگر می توانند به عنوان مولفه های داخلی و خارجی نیز محسوب شوند (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۰۹). همان طور که در قسمت ژئوپولیتیک ایران اشاره شد آسیای جنوب غربی از پنج حوزه ژئوپولیتیک شامل: آسیای مرکزی، شبه قاره، قفقاز، خلیج فارس و خاورمیانه شکل می گیرد. پاکستان تنها در زیرسیستم شبه قاره و به ویژه افغانستان نقش ایفا می کند. این کشور سعی می کند به واسطه افغانستان در منطقه آسیای مرکزی از طریق ژئوپولیتیک خطوط لوله و انرژی نقش ایفا کند. و همچنین سعی می کند تا از طریق کشورهای عربستان-امارات در فقدان پتانسیل های فرهنگی-اقتصادی-سیاسی بهره برداری کند. ایجاد مدل طالبان از طریق این کشور برای تحقق اهداف مذکور صورت گرفت. علیرغم این که پاکستان قدرت اتمی است ولی توان حضور در سیستم های ذکر شده را ندارد. (رضایی، ۱۳۸۴: ۱۶۳) در حال، آنچه در ژئوپولیتیک پاکستان حائز اهمیت است، نقش آن در ملاحظات امنیتی آن است که سیاست خارجی این کشور بر آن قرار دارد

(محمدی، ۱۳۸۵: ۳۰۹). به طوری که پاکستان سیاست خارجی خود را در سه سطح مختلف دوجانبه، منطقه ای و جهانی با کشورها تنظیم می کند (آمری راد، ۱۳۸۴: ۱). موضوع مهم دیگر، حادثه یازده سپتامبر است که آسیای جنوب غربی را در کانون تحولات بین المللی قرار داد، چراکه بعضی از تحلیل گران معتقدند حوادث یازده سپتامبر از این منطقه نشأت گرفته است. از این رو کشورهای پاکستان و افغانستان از ابتدا در خط مقدم علیه تروریسم قرار گرفتند (فرزین نیا، ۱۳۸۳: ۴).

نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی پاکستان



Source: shiv kumar, 2007

تحولات پس از یازده سپتامبر در منطقه و حمایت پاکستان از جنگ با تروریسم اثراتی بر منافع ملی این کشور در کشمیر، افغانستان، برنامه هسته ای، و در سطوح داخلی جامعه داشته است. در نتیجه می توان گفت که موقعیت داخلی، منطقه ای و بین المللی پاکستان به دنبال حوادث یازده سپتامبر و پی آمدهای آن به کلی دستخوش تحول و دگرگونی شده است (همان: ۷-۸).

جایگاه پاکستان در اندیشه های ژئوپولیتیک

۱- ناحیه محور یا هارتلند: این نظریه توسط آلفورد مکیندر مطرح شد. در این نظریه پاکستان در منطقه هلال داخلی و اطراف منطقه محور قرار داشته و از این رو در استراتژی های خشکی به عنوان بخشی از منطقه هلالی جایگاه مهمی داشته است.

۲- قدرت دریایی ماهان: پاکستان به علت موقعیت دریایی و ساحلی که با دریای عمان و اقیانوس هند دارد از حیث مانور دریایی جایگاه ویژه ای را به خود اختصاص داده و جایگاه ویژه ای را در نظریه ماهان دارد (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۱۰). ماهان معتقد بود که شرط اصلی برای اتحاد یک قدرت جهانی، کنترل بر دریاهاست؛ به عبارت دیگر نظارت بر دریاها، اولین قدم در راه کسب قدرت برتر جهانی است (عزتی، ۱۳۸۲: ۵۵).

۳- سرزمین حاشیه ای یا ریملند: این تئوری توسط اسپایکمن (۱۸۹۳-۱۹۴۳) مطرح شد (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۱۰). وی محدوده سرزمین حاشیه که در محاصره آب هاست را ریملند می نامد. این نظریه سهولت حرکت در دریا را امکان پذیر می کند. دلیل اهمیت دادن اسپایکمن به ریملند این بود که این منطقه امکان ترکیب قدرت بحری و بری را بهتر فراهم می کند (عزتی، ۱۳۸۲: ۱۶-۱۸). کشور پاکستان نیز براساس این نظریه در منطقه ریملند قرار گرفته و توانایی ترکیب قدرت بری و بحری را داشته است. اسپایکمن اصرار داشت که سیاست آمریکا باید متوجه این منطقه باشد. با توجه به حساسیت این منطقه کشور آمریکا برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم، به کشورهای این منطقه اهمیت قائل شد. به همین جهت کشور پاکستان در سیاست کانتیننت (مهار و بازدارندگی) ایالات متحده از جایگاه استراتژیکی بر خوردار بود (محمدی، ۱۳۸۵: ۳۱۰).

۴- ناحیه ژئوپولیتیکی مستقل: اس. بی کوهن در این نظریه برای منطقه جنوب آسیا هویت مستقل ژئوپولیتیکی قایل شده و منطقه خاورمیانه و آسیای جنوب شرقی را به عنوان کمربند شکننده مطرح می کند. در این نظریه کشور پاکستان به همراه کشور هند منطقه مستقل ژئوپولیتیکی را تشکیل می دهد (همان: ۳۱۰).

مدل تحلیل رقابت ژئوپلیتیکی

ژئوپولیتیک به عنوان "دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ" دولت ها و گروه های متشکل سیاسی درصددکسب قدرت و تصرف ابزارها و اهرمها و فرصت های جغرافیایی هستند که به آن ها قدرت داده و امکان چیره شدن بر رقیب را می دهد. آن ها برای تصرف فرصت ها و مقدرات در مکان و فضای جغرافیایی، به رقابت (competition) پرداخته و سعی می کنند نفوذ خود را در فضاهای جغرافیایی بیشتر توسعه داده و آنها را به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و برعکس رقبا را از فضاهای درگیر بیرون برانند. از این دیدگاه ژئوپولیتیک به مطالعه الگوهای رقابتی، فرصت ها و ابزارهای رقابت آمیز، انگیزه های رقابت، کارکردهای مکان و فضا در شکل دهی به فرایندهای رقابت و تاثیر آن بر فراز و فرود قدرت می پردازد. (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۷) امروزه تدوین استراتژی رقابتی یکی از دغدغه های کشورهای است. در ژئوپولیتیک بازیگران اصلی صحنه رقابت کشورهای محلی، منطقه ای، فرمانطقه ای و جهانی هستند. هرچند که این بازیگران جدا از یکدیگر قرار دارند ولی دارای اهداف متقابل هستند (ایرانزاده، ۱۳۸۷: ۳). بنابراین در ژئوپولیتیک رقابت مقوله ای چند بعدی است و تمام ابعاد سیاسی، اقتصادی، ایدئولوژیکی و غیره را شامل می شود. اقدامات کشورها برای بسترسازی زمینه های رقابتی از یک سو و استقرار مکانیزم های بازدارنده کشورهای فرمانطقه ای از سوی دیگر این مقوله پیچیده را تشکیل می دهد. به این خاطر رقابت ژئوپولیتیکی می تواند تاثیر بسیار زیادی بر منافع ملی، امنیت ملی و اقتصاد یک کشور داشته باشد. به هر حال در منازعه و رقابت ژئوپولیتیکی میان کشورها و به ویژه کشورهای همسایه عواملی مانند: مسائل مذهبی - ایدئولوژیکی، آب، انرژی، دسترسی و ارتباطات، ترانزیت و حمل و نقل و تسلط بر منابع و ذخایر منطقه نقش اصلی را ایفا می کنند. در نتیجه توانایی توانایی رقابت یک کشور با کشور دیگر بستگی به پتانسیل های محیطی، سیاست خارجی در قبال کشورهای قدرتمند منطقه ای و جهانی، و استراتژی های خود کشور بستگی دارد. و یک کشور در صورتی می تواند رقابت را ادامه دهد که توان لازم را برای تاثیرگذاری بر عوامل بالا داشته باشد. با استفاده از این مدل رقابت ها و همکاری های پاکستان با جمهوری اسلامی ایران را در سطح منطقه مورد بررسی و کنکاش قرار می دهیم.

تحلیل ژئوپولیتیک پاکستان در حوزه رقابت و همکاری با جمهوری اسلامی ایران

الف- حوزه های همکاری؛ با تا کید بر موقعیت و نقش آفرینی منطقه ای

۱- سازمان کنفرانس اسلامی

اولین تشکیلاتی که می تواند در جهت وحدت جهان اسلام عمل کند سازمان کنفرانس اسلامی است. این سازمان تنها نهاد دولتی-مذهبی بین المللی است. سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۶۹ در پی حریق عمدی مسجدالاقصی بوجود آمد و با وجود فراز و نشیب های فراوان توانسته خود را به صورت یک نهاد بین المللی معتبر تثبیت کند (امجد، ۱۳۸۲: ۱). کشور پاکستان که در این حوزه ژئوپولیتیکی می گنجد، اصلی ترین عامل استقلال آن اسلام بود و مشروعیت خود را از اسلام کسب کرده است. به همین دلیل ارتباط با کشورهای اسلامی در اولویت سیاست خارجی پاکستان قرار گرفت (محمدی، ۱۳۸۴: ۲۷۳). از آن جایی که جمهوری اسلامی ایران نیز مشروعیتش به اسلام بوده و نظام فعلی آن مبتنی بر اسلام بوده است، پاکستان در سیاست خارجی خود به این کشور توجه ویژه ای دارد. در همین راستا هر دو کشور ایران و پاکستان در اکثر کنفرانس های این سازمان همکاری داشته اند. به طوری که کشور پاکستان همیشه از انقلاب اسلامی ایران تجلیل نموده و به آن به دیده احترام می نگرد (آمری راد، ۱۳۷۴: ۱۷۵).

۲- قومیت بلوچ

استقرار قوم و قبیله های بلوچ در فاصله مرزهای مشترک سه کشور ایران، پاکستان و افغانستان به طور طبیعی باید باعث تفاهم و هماهنگی سه جانبه ای برای کنترل استراتژیک قلمرو بلوچ نشین شود. این هماهنگی تقریباً همواره بین ایران و پاکستان وجود داشته است. ایران از نظر آسیب پذیری از ناحیه اقوام و قبایل بلوچ نسبت به پاکستان در موقعیت بهتری قرار دارد. در حالی که بلوچستان یکی از ایالات پاکستان را تشکیل می دهد، استان سیستان و بلوچستان تنها یکی از ۳۱ استان ایران به شمار می آید. از این رو، سیستم تقسیمات کشوری ایران و پاکستان متفاوت است؛ یعنی ایران به صورت متمرکز و پاکستان به صورت

فدرالی اداره می شوند. علی رغم همگرایی عمیق، دیرینه و گسترده بلوچ های ایران و پاکستان به ویژه در نواحی مرزی، آسیب پذیری پاکستان به دلیل حجم، وسعت و اهمیت استراتژیک بلوچستان از ایران و افغانستان بیشتر است. از طرف دیگر آینده ایالت بلوچستان پاکستان بر استان سیستان و بلوچستان به ویژه در بخش میانی یا سرحد و در نتیجه بر تمامیت ارضی و وحدت ملی ایرانیان تاثیر خواهد گذاشت. به همین دلیل کشورهای ایران و پاکستان طی نیم قرن اخیر در این زمینه تمایل فراوانی به همکاری استراتژیک نشان داده اند (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۶۳).

۳- اکو (Economic cooperation of organization)

یکی از مهم ترین همکاری های دو کشور ایران و پاکستان در قالب پیمان های منطقه ای، سازمان همکاری منطقه ای اکو است. سازمان همکاری اقتصادی اکو یک سازمان بسیار مهم و تاثیر گذار منطقه ای می باشد که شاخه وسیع و مهم جغرافیایی را در بر می گیرد و هدف آن ایجاد شرایط و زمینه های لازم برای توسعه فعالیت اقتصادی و فرهنگی کشورهای عضو و برقراری همکاری های فعال و درازمدت منطقه ای در عرصه های مختلف است. از آنجائیکه دو کشور ایران و پاکستان دو عناصر اصلی از سه عضو تشکیل دهنده سازمان همکاری اقتصادی اکو می باشند و همکاریها و مبادلات در چارچوب سازمان، مرتبط با این موضوع می باشد، هر گونه پیشرفت در روند کار یا برنامه های این سازمان تاثیر مستقیم در روابط دوجانبه بین این دو کشور دارد (آمری راد، ۱۳۷۴: ۱۱۷). در نتیجه اکو فرصت مناسبی برای دو کشور ایران و پاکستان است، تا سیاست های خود را در راستای رشد اقتصادی هماهنگ سازند و شرایط و زمینه های لازم را برای تسهیل فعالیت های اقتصادی و تشویق سرمایه گذاری و تجارت و برداشتن موانع ترانزیتی بین دو کشور فراهم سازند.

۴- گروه D-8

بی تردید یکی از راه های افزایش همکاری های دو کشور ایران و پاکستان، ایجاد بازار مشترک اسلامی است. برای رسیدن به این هدف و ایجاد زمینه و بستر مناسب برای فعالیت

موثر و کارایی این بازار؛ استفاده از تشکیلاتی چون گروه هشت کشور اسلامی مفید است و می توان از ترتیبات تجاری اقتصادی زیرگروه های این هشت کشور اسلامی در این ارتباط سود فراوان برد و از تجربیات آنان استفاده کرد (دراک خواه، ۱۳۸۴: ۲). گروه هشت کشور مسلمان در حال توسعه که اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه در آن عضویت دارند، از جمله تشکیلات منطقه ای است به منظور ایجاد روابط مستحکم اقتصادی بین کشورهای در حال توسعه اسلامی و تقویت نفوذ این کشورها در بازارهای جهانی. در این گروه در زمینه های صنعت، کشاورزی، مخابرات و اطلاعات، تجارت، علوم تکنولوژی، توسعه نیروی انسانی، بهداشت، توسعه روستایی، بانکداری و انرژی همکاری می شود. برای تحقق هدف توسعه صادرات غیر نفتی و تنوع بخشیدن به مقاصد صادراتی، پیمان گروه d-8 زمینه مساعدی را می تواند برای هریک از کشورهای عضو و از جمله ایران و پاکستان فراهم آورد (همان: ۱-۵). اما متأسفانه این گروه تاثیر زیادی در روابط و همکاریهای دو کشور نداشته است. مقایسه مبادلات تجاری بین پاکستان با جمهوری اسلامی ایران در چهارچوب گروه d-8 طی دهه های گذشته نشان می دهد که با تشکیل این سازمان، مبادلات تجاری بین دو کشور رشد چشم گیری نداشته است. بنابراین گروه مذکور در زمینه ی همکاری های دو کشور، بیشتر یک عامل بالقوه است تا بالفعل.

۵- انرژی (خط لوله گاز ایران- هند)

در دهه های آغازین قرن بیست و یکم، تقاضا برای گاز طبیعی دارای بالاترین رشد می باشد. با رشد تقاضای انرژی در هند و کشورهای همسایه آن، خط لوله گاز ایران- پاکستان- هند حکایت از جایگاه ویژه ای در میان کشورهای منطقه دارد. به طوریکه کشورهای دارای کمبود انرژی منطقه مانند هند، چین و پاکستان در نقاط مختلف دنیا برای بدست آوردن انرژی تلاش می کنند (shiv kumar, 2007: 1). این پروژه در سال ۱۹۹۴ مطرح شده است. ساخت این خط لوله سالانه نزدیک به ۳۰۰ میلیون دلار از هزینه های انرژی هند می کاهد و بیش از ۶۰۰ میلیون دلار ارز نصیب پاکستان خواهد نمود. اجرای این پروژه به منابع تامین انرژی پاکستان تنوع چشمگیری بخشیده و راهکار مناسبی برای تامین انرژی در درازمدت در اختیار این کشور قرار می دهد. (پیشگامی فرد، ۱۳۸۷: ۹۹) با این که پاکستان

برای سهم نصب این خط لوله اعلام آمادگی کرده است ولی وجود پاره ای مولفه های سیاسی، تنش های ژئوپولیتیکی و ایدئولوژیکی که به طور عمده مربوط به پاکستان است، تاکنون احداث خط لوله را با ابهاماتی مواجه ساخته است. با توجه به منافع مهم ایران و پاکستان در پروژه، این دو کشور جدیت زیادی را برای احداث آن، از طریق پاکستان نشان می دهند. اما هند برای ادامه همکاری بی میل به نظر می رسد؛ زیرا تهدید خط لوله در سرزمین پاکستان امنیت انرژی را به خطر می اندازد. و هند از مولفه های سیاسی و ژئوپولیتیکی تاثیرگذار بر پروژه که منافع اقتصادی این کشور را به چالش می کشد، آگاه است (شفیعی، ۱۳۸۸: ۴۹). پاکستان در قبال این خط لوله سیاست مبهمی را در پیش گرفته است، از یک طرف برای رسیدن این خط لوله به هند مشکل ایجاد می کند و از طرف دیگر برای بدست آوردن میلیون ها دلار از این خط لوله اشتیاق زیادی را نشان می دهد (shiv, 2007:3). تجزیه و تحلیل این پروژه نشان می دهد که: اولاً این خط لوله برای هر سه کشور مفید است و ثانیاً این خط لوله گرفتار ژئوپولیتیک پیچیده و پر از تنش منطقه است.

ب- حوزه های رقابت ایران و پاکستان؛ با تاکید بر موقعیت و نقش آفرینی منطقه ای

۱- مسائل ایدئولوژیک

اگرچه کشورهای ایران و پاکستان، هر دو به عنوان کشورهای مسلمان شناخته می شوند و در سازمان کنفرانس اسلامی با یکدیگر همکاری دارند، اما مسائل ایدئولوژیک یکی از عوامل اصلی است که دو کشور را به عرصه رقابت کشانده و این عرصه بر همکاری های دو کشور تاثیر منفی گذاشته است. استمرار فشار تشکل های افراطی پاکستان علیه شیعیان این کشور و احیانا اقدامات حمایتی ایران، بر مناسبات دو کشور اثر گذاشته و ممکن است باعث تشدید واکنش های بین آنها شود.

یکی از مهم ترین ویژگی هایی که این مسائل ایدئولوژیک را پررنگ تر کرده و باعث تشدید آن می شود، حضور قدرتهای فرامنطقه ای و جهانی در پاکستان است. پاکستان در حالی به عنوان یکی از بی ثبات ترین و پیچیده ترین کشورهای جهان و مهد تفکر طالبانی شناخته شده است که همزمان به عنوان شریک آمریکا در نبرد با افراط گرایی در محافل

سیاسی شناخته می شود. (فرزین نیا، ۱۳۸۳: ۲۵) عامل مهم دیگر، وهابیت است که توسط کشور عربستان، در سطح منطقه و به ویژه در کشور پاکستان رواج یافت. سعودی ها به صورت فعال تری وارد اشاعه این تفکر در جهان شدند. این گروه در بعضی مواقع، با اقدام به مدیریت برخی اقدامهای تروریستی مانند سازماندهی حوادث ۱۱ سپتامبر باعث شکل گیری گویش های جدیدی در ژئوپولیتیک جهانی شد. از جمله گفتمان جنگ با تروریسم که زمینه حضور قدرت های فرامنطقه ای و جهانی را در مجاورت ایران فراهم آورده است. (امیری، ۱۳۹۰: ۷۸)

۲- مسائل هسته ای

ورود کشورهای هند و پاکستان به کلپ کشورهای هسته ای، سیمای استراتژیک جنوب آسیا را تغییر داده و در نتیجه عوامل جدید و سرنوشت سازی را وارد فضای استراتژیک نموده است که باعث تاثیر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران شده است. از آنجایی که جمهوری اسلامی ایران در پی استفاده مسالمت آمیز از فعالیت های هسته ای خود است، فعالیت هسته ای پاکستان و رقابت آن با هند، از جنبه های مختلف می تواند بر روی فعالیت های هسته ای کشور ایران تاثیر داشته باشد. از جمله پیامدهای منفی این رقابت برای جمهوری اسلامی ایران افزایش حساسیت نظام بین الملل نسبت به سرنوشت فعالیت های هسته ای ایران است که باعث شده به عناوین مختلف کشور ایران را تحت فشار قرار دهند تا او را از دستیابی به فناوری هسته ای حتی برای مقاصد صلح جویانه بازدارند. و همچنین این رقابت باعث بهم خوردن ساختار توزیع قدرت در منطقه خاورمیانه شده که علاوه بر امکان توسعه طلبی در منطقه خاورمیانه باعث تحریک کشورهای عربستان، ترکیه و عراق که در شبکه امنیتی ایران قرار دارند، خواهد شد تا به سمت سلاح های هسته ای گرایش پیدا کنند (آمری راد، ۱۱۷: ۱۳۷۴). تهران به جهت انجام آزمایشات هسته ای پاکستان در ایالت بلوچستان و در نزدیکی مرزهای ایران، موضع قوی پاکستان به جهت داشتن توان هسته ای در مناقشات منطقه ای و همچنین در صورت روی کار آمدن یک حکومت بنیادگرای افراطی در پاکستان، نگران مسابقه تسلیحاتی در شبه قاره و به ویژه

پاکستان است (محمدی، ۱۳۸۴: ۳۰۰). آزمایش‌های هسته‌ای پاکستان در نزدیکی مرزهای جمهوری اسلامی ایران هم به منزله تهدید، وهم مخرب محیط زیست بوده است.

۳- مسائل مرزی

هرچند ایران و پاکستان اختلاف‌های مرزی عمده‌ای در زمینه مرزهای خشکی ندارند ولی مسئله مرز دریایی بین دو کشور در خلیج گوادر هنوز به سرانجام نرسیده است. (همان: ۳۰۱) به غیر از آن، در مورد مسائل رودخانه‌ای نیز به توافق نرسیده‌اند. به طوری که رقابت در برداشت آب از رودخانه‌های لادیز ونهنگ، به دلیل نیاز ایالات بلوچستان پاکستان و استان سیستان و بلوچستان ایران به آب و تنگناهای آبی آن‌ها، ممکن است منبع تنش و مشاجره ایران و پاکستان را در مقیاس محلی و منطقه‌ای در دوسوی مرز فراهم آورد (همان: ۳۰۱).

۴- افغانستان

از هنگام تاسیس پاکستان تاکنون، مناسبات دیپلماتیک این کشور با ایران تحت تاثیر موضع آنها نسبت به افغانستان بوده است. پاکستان همواره در تلاش برای روی کار آمدن یک دولت دست‌نشانده و ضعیف در افغانستان بوده تا بدین وسیله از ادعاهای ارضی علیه پاکستان دست برداشته و مرز بین دو کشور را به رسمیت بشناسد. از طرف دیگر ایران نیز در افغانستان به دنبال استقرار دولت ملی بوده که مشترکات فرهنگی با ایران داشته باشد. اما پاکستان مخالف این است که حکومتی مستقل و سازنده در افغانستان وجود داشته باشد و اختلاف بین گروه‌های افغان از بین برود. به خاطر همین تضاد در افغانستان که مبتنی بر علائق و منافع استراتژیک آن‌هاست، همواره باعث شکاف در روابط بین دو کشور شده است (همان: ۳۰۱).

۵- آسیای مرکزی

یکی از منابع جدید رقابت بین دو کشور ایران و پاکستان، تلاش آن‌ها در دهه اخیر بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی برای ورود به بازارهای آسیای مرکزی و همکاری های تجاری و اقتصادی با این منطقه است (همان: ۳۰۱). تلاش این دو کشور در دهه اخیر برای ورود به بازار آسیای مرکزی و قرار گرفتن در مسیر انتقال لوله های گاز به شبه قاره و اقیانوس هند است. پاکستان در این رقابت حمایت طبیعی افغانستان را به همراه دارد (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۷۱). پاکستان به آسیای مرکزی بسیار نزدیک است؛ این تقارن جغرافیایی بایوندهای موجود تاریخی و فرهنگی تقویت شده که زمینه را برای همکاری پاکستان با کشورهای آسیای مرکزی مساعد می سازد. این کشور در جستجوی حمایت کشورهای آسیای مرکزی در قبال موضوعاتی نظیر کشمیر و افغانستان است. (سنگی، ۱۳۸۳: ۱) از طرف دیگر ایران پس از پایان جنگ تحمیلی از امکانات بیشتری برای توسعه روابط خود با سایر کشورها به ویژه کشورهای آسیای مرکزی برخوردار گردید. این امر سبب شد تا ایران به برقراری روابط خود با سایر کشورهای آسیای مرکزی بپردازد که در نتیجه زمینه رقابت دو کشور ایران و پاکستان را فراهم ساخت. (همان: ۳۱).

۶- بندر گوادر و بندر چابهار

شاید یکی از مهم ترین زمینه های رقابت در وضعیت کنونی بین دو کشور، رقابت بندر گوادر پاکستان با بندر چابهار باشد. این دو بندر به غیر از اینکه میتوانند در زمینه صادرات و واردات فعالیت کنند، و درآمد ارزی برای هریک از این کشورها به ارمغان بیاورند، در زمینه مسائل ترانزیتی نیز می توانند نقش ایفا کنند. دو کشور از طریق این بنادر سعی در ارتباط برقرار کردن با آسیای مرکزی دارند. از این رو توجه به این موضوع رقابتی می تواند مفید واقع شود.

بندر چابهار به علت موقعیت استراتژیک و دستیابی به آب های آزاد بین المللی جایگاه ویژه ای در مبادلات با سایر کشورهای منطقه دارد. از سوی دیگر به علت نزدیکی با کشورهای نظیر افغانستان، پاکستان و آسیای میانه در آینده ای نزدیک با اتصال به شبکه ریلی کشور اهمیت ویژه ای در ترانزیت کالا به این کشورها خواهد داشت. ارتباط مستقیم

چابهار با آبهای آزاد جهان و قرار گرفتن در مسیر حمل و نقل و انرژی و ارتباطات کشورهای آسیای مرکزی با جهان خارج موقعیت ژئوپلیتیک آنرا در آینده ارتقا خواهد بخشید. (حافظنیا، ۱۳۸۴: ۱۵۶) از طرف دیگر چابهار دارای پتانسیل های ارتباطی، قابلیت های گردشگری و جذب توریست، موقعیت جغرافیایی امن، ارتباطات شبکه ای انتقال نفت و گاز، و بندر شهید رجایی چابهار به عنوان دروازه ترانزیت کلاست. (امیری، ۱۳۹۰: ۷۶-۸۵) به همین خاطر، باید از این ویژگی ها در رقابت های آتی با بندر گوادر پاکستان و جبل علی دبی استفاده کرد و آنها را در اولویت قرار داد. باید یادآور شد که اتصال بندر چابهار به راه آهن سراسری زاهدان - بم و خط آهن بافق - مشهد موجب می شود تا این بندر به شبکه ۱۴۶ هزار کیلومتری مسیر راه آهن فدراسیون روسیه و کشورهای مشترک المنافع اروپا وصل شود. (همان: ۷۹) این در حالی است که قابلیت های عمده بندر گوادر از جمله نزدیکی به شبه قاره، آسیای جنوب شرقی و اقیانوسیه و شرایط فیزیکی مناسب خلیج فارس برای بندر سازی در آینده ای نزدیک، ایران و پاکستان را وارد عرصه رقابت خواهد کرد. (محمدی، ۱۳۸۴: ۳۰۱) در همین راستا، به گفته کارشناسان امور حمل و نقل و دریایی، هم اینک با سرمایه گذاری کشورهای چین و عمان و پشتیبانی آمریکا به مبلغ ۲۵۰ میلیون دلار اسکله ای به ظرفیت پهلوگیری کشتی های یکصد هزار تنی در بندر گوادر پاکستان، همسایه چابهار در ساحل دریای عمان در حال ساخت است. و توسعه این بندر تا سقف ۵۶۰ میلیون دلار پیش بینی شده است. مطالعات اتصال خط آهن پاکستان به چین، از طریق خاک بلوچستان پاکستان و سپس از طریق خاک افغانستان در حال انجام است. در صورتی که ادامه روند اجرای پروژه های عمرانی مورد نیاز این بخش طبق برنامه سوم که جهت توسعه چابهار اعتبار خاصی پیش بینی نشده ادامه یابد، با بهره برداری از بندر گوادر پاکستان طبیعی است که تجار ایرانی نیز برای وارد کردن کالاهای مورد نیاز باید از طریق این بندر اقدام نمایند (امیری، ۱۳۹۰: ۸۰). متأسفانه نارسائی های تفکر ژئوپلیتیک چیره بر دولت های وقت مانع از بهره برداری از این امکان بزرگ ژئوپلیتیک در جهت منافع ملی ایران شد (همان: ۷۹). در نتیجه جمهوری اسلامی ایران باید این موقعیت ژئوپلیتیکی را درک کند و از آن در جهت منافع ملی بهره جوید.

نتیجه

در حال حاضر پاکستان با سه چالش ژئوپولیتیکی مهم روبروست، این سه چالش عبارتند از: ۱- تروریسم و افراط گرایی مذهبی- قومی ۲- دولت ضعیف و بحران اقتدار ۳- دخالت قدرت های فرا منطقه ای. از سوی دیگر نمی توان نقش بحران اقتدار را در پاکستان و حضور قدرت های فرا منطقه ای را در سطح منطقه به بهانه حفظ صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی در پاکستان و افغانستان و تاثیرات آن را بر ایران نادیده گرفت. رقابت ژئوپولیتیکی میان ایران و پاکستان می تواند تاثیر بسیار زیادی بر منافع ملی، امنیت ملی و اقتصاد هر دو کشور داشته باشد. با این که کشور پاکستان دارای چالش های زیادی است، اما کاهش تنش های ژئوپولیتیکی عملیاتی ساختن زمینه های همکاری و از بین بردن تقابل میان دو کشور، رقابت آنها را در سطح منطقه محتمل می کند. در هر صورت، در همکاری و رقابت میان کشورهای ایران و پاکستان در سطح منطقه عواملی مانند: مسائل مذهبی-ایدئولوژیکی، انرژی، ترانزیت و حمل و نقل، آب، دسترسی و ارتباطات، و مسائل قومیتی نقش بارزی را بازی می کنند. به غیر از همکاری، توانایی و رقابت هر یک از این دو کشور بستگی به پتانسیل های محیطی، سیاست خارجی در قبال کشورهای قدرت مند منطقه ای و جهانی و استراتژی های خود کشورها دارد. و کشوری می تواند رقابت را ادامه دهد که توان لازم را برای تاثیر گذاری بر عوامل بالا داشته باشد. ژئوپولیتیک پاکستان در زمینه رقابت و همکاری با جمهوری اسلامی ایران نقش اصلی را ایفا می کند. به طوری که به نظر می رسد هدف عمده ژئوپولیتیکی پاکستان، پروژه ارتباط با کشورهای فرا منطقه ای و جهانی از جمله ایالات متحده آمریکا برای تثبیت منافع و امنیت ملی خود باشد. در عین حال مهم ترین چالش برای جمهوری اسلامی ایران در تحولات ژئوپولیتیک منطقه، جایگاه پاکستان در اراده هژمونیک ایالات متحده آمریکا می باشد. به رغم اینکه پاکستان خود را کشور مسلمان و هم پیمان ایران در منطقه می داند، اما با نگاهی عمیق و موشکافانه به سیاست های اعمالی این کشور در قبال ایران، در می یابیم که وعده های این کشور مبنی بر همکاری با ایران، مبهم است. به عنوان مثال می توان از سعی این کشور، در استفاده ابزاری از پروژه خط لوله گاز ایران- پاکستان- هند نام برد. در این راه است که همکاری بین دو کشور ایران و پاکستان

به دلیل وجود بسیاری از مشکلات ساختاری فقط می تواند یک گام به جلو باشد، حال آنکه جهت ثبات این همکاری های منطقه ای نیاز به برداشتن گام های بلندی است. عملیاتی کردن این همکاری ها نیازمند دیپلماسی فعال دو کشور در زمینه مسائل سیاسی، امنیتی، اقتصادیو ایدئولوژیکی است. در پایان چنین به نظر می رسد که هرگاه دو کشور نتوانند همکاری لازم را با یکدیگر داشته باشند، عملا چالش های زیادی را متوجه یکدیگر خواهند ساخت.

Archive of SID

منابع

- ۱- آمری راد، داوود، روابط ایران و پاکستان در بعد از انقلاب اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۴.
- ۲- امجد، محمد، نظریه همگرایی و سازمان کنفرانس اسلامی، فصل نامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۱۸ و ۱۹، صص ۸-۱، ۱۳۸۲.
- ۳- امیری، هاشم، نقش عوامل سیاسی - امنیتی در توسعه نیافتگی منطقه آزاد چابهار، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۰.
- ۴- پیشگاهی فرد، زهرا و قدسی، امیر، بررسی و تحلیل ویژگی های ژئوپولیتیکی پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها، فصلنامه پژوهش های جغرافیایی، شماره ۶۳، صص ۸۱-۹۹، ۱۳۸۷.
- ۵- حافظ نیا، محمدرضا، اصول و مفاهیم ژئوپولیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی، ۱۳۸۴.
- ۶- حافظ نیا، محمدرضا و همکاران، علایق ژئوپولیتیکی ایران در آسیای مرکزی و فرصتهای پیش رو، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال سوم، شماره سوم، صص ۲۵-۲۷، ۱۳۸۶.
- ۷- خزائی، صفی الله، بررسی تاثیر انقلاب اسلامی در سیاسی - تشکیلاتی شدن شیعیان در پاکستان در دهه اول انقلاب اسلامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹.
- ۸- رحمانی آذر، جعفر، زمینه های ژئوپولیتیکی دخالت ترکیه در شمال عراق از سال ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۷، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
- ۹- رضایی، محسن، ایران منطقه ای، تهران: انتشارات پاپلی، ۱۳۸۴.
- ۱۰- رضایی، خدیجه و کلانتری، ندا، روابط بازرگانی ایران با گروه ۸-d، فصلنامه بررسی های بازرگانی، شماره ۲۷، صص ۱-۸، ۱۳۸۷.
- ۱۱- راک خواه، فاطمه، آشنایی با گروه اقتصادی و تجاری کشورهای اسلامی ۸-d، سایت سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۴.

- ۱۲- سنگی، لیلا، **علل حضور پاکستان در آسیای مرکزی و تاثیر آن بر منافع ملی ایران**، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.
- ۱۳- سلیمی، حسین، **آسیای جنوب غربی به عنوان یک منطقه؟ تحلیل اطلاق منطقه آسیای جنوب غربی آسیا**، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال پنجم، شماره دوم، صص-۱۱۵-۱۱۸، ۱۳۸۸.
- ۱۴- شفیعی، میرعلی، **تحلیل ژئوپولیتیک و ژئواکونومی خط لوله گاز ایران- هند**، مجله علمی- پژوهشی فضای جغرافیای دانشگاه آزاد اهر، سال نهم، شماره ۱، صص ۲۶-۴۸، ۱۳۸۸.
- ۱۵- صفوی، سیدیحیی، **مقدمه ای بر جغرافیای نظامی ایران؛ جلد اول شمال غرب و غرب کشور**، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۷۹.
- ۱۶- صفوی، سیدیحیی، **مقدمه ای بر جغرافیای نظامی ایران؛ جلد سوم جنوب و جنوب شرق کشور**، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۰.
- ۱۷- عزتی، عزت الله، **ژئوپولیتیک در قرن بیست و یکم**، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۲.
- ۱۸- فرزین نیا، زیبا، **سیاست خارجی پاکستان: تغییر و تحول**، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۸۳.
- ۱۹- کارگر، بهمن، **جمهوری اسلامی پاکستان؛ مسائل جغرافیایی با نگرش به جنبه های انسانی و سیاسی**، پایان نامه کارشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۳.
- ۲۰- کریمی پور، یدالله، **مقدمه ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)**، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی تربیت معلم، ۱۳۷۹.
- ۲۱- محمدی، ناصر، **جغرافیای کشورهای همجوار؛ پاکستان**، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، ۱۳۸۵.
- ۲۲- مجتهدزاده، پیروز، **جغرافیایی سیاسی و سیاست جغرافیایی**، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۹.

۲۳- verma, shiv kumar. **Energy geopolitics and iran- Pakistan-india gas pipline**. india: newdehli, Pp.1-10,2007

All References in English

1-Amerierad, davood. **Revabete iran va pakestan dar bade enghelabe eslami**. a.m thesis, university of Emam Sadeq,1995.

2- Amjad, Mohammad. **Nezareie hamgeraei va sazean konferance Eslami**. journal of university Emam Sadeq Researches, No. 18-19, Pp.8-1, 2003.

3-Amiri, Hashem .**Naqshe evamele seyasi va amneyeti dar touse manteqe azad Chabehar**.a.m thesis,university of Shahid Beheshti,2011.

4-Pishgahifard, ZahravaGhods, Amir.**Barresi va tahlile vizhegihay geopoliticie Pakestan va nagshe An dar revabet ba sayere keshvareha**.journal of Geographical Researches, No 63.Pp.81-99, 2008.

5-HafezNia, M. **Osool va mefahime Geopolitic**. Mashhad: Papoli publication, 2005.

6-HafezNia, M vahamkaran.**Elayeqe Geopoliticie Iran dar Aseyai markazi va forsatehay pishe roo**.Journal of Geopolitic, year3, No. 3,Pp.25-27, 2007.

7-Khaza'i, SafiUllah. **Barresie tasire enqelabe eslami dar seyasi-tashkilati shodan sheieyan dar pakestan dar dehaye avale enqelabe eslami**.a.m thesis, University of shahidBeheshti, 2000.

8-Rahmani-Azar, J. **Zaminehaye Geopoliticie dekhlatate Torkeye dar shomale Eraq az sale 1950 ta 2007**.a.m thesis, University of shahidBeheshti, Pp. 2-4, 2008.

9-Rezaei, M. **Iran manteqaei**. Tehran: Paply Publication, 2003.

10-Rezaei, Khadija vaKelantari, Neda. **Revabete bazargani iran ba gorohed-8**.Journal of Business survey, No. 27,Pp.1-8 , 2008.

11-Rakkhah, Fateme.**Ashenaie ba goroh e qteadi va tejari keshvarehay eslami d-8**.Home ofIslamic Propagation Organization, 2003.

12-Sangy, Laila. **Elale hozore pakestan dar Aseyae markazi . tasire an bar menafe meli iran**, a.m thesis, university of shahid beheshti, 2004.

13-salimi, Hussein. **Aseyaye jonobe gharbi be onvane yeik manteqe? Tahlile etlaghe manteqe Aseyaye jonobe gharbi Aseyae**. Journal of gopolitic, year of 5, Pp .115-118, , 2008

14 - Shafi'i, Mirali. **Tahlile Geopolitic va geoeconomi khate lole gaz Iran- Hend**.Journal Scientific Reaserch of Geographical Space , University of freeAhar, year IX, issue 26. Pp. 48-52, 2008.

15-Safavi, S.y.**Moqademaie bar geografeiae nezami Iran.vol.1** shomalegharb va gharbe keshvar, Tehran:sazeman Geography ay - eiPublication,2000.

16-Safavi, S.y.**Moqademaie bar geografeiae nezami Iran.vol2** jonob va jonobe sharqe keshvar,Tehran:sazeman Geographyayei Publication, 2001.

17-Ezzati, ezzatollah. **geopolitic dar qarne 21**.Tehran: samt publication, 2003.

18-Farzinnia, ziba. **Seyasate kharejeie pakestan: taghir va tehavol**.Tehran: daftare motaleate seyasi va beinalmelali Pub - lications, 2004.

19-Kargar,Bahman.**Jomhoorie eslamie pakestan: meseale geografeyae ba negaresh be janbehay ensani va seyasi**. a. the - sis,university of shahid beheshti, 1994.

20-KarimiPour, Yadu'llah. **Moqademaie bar Iran va hams-ayegan(menabe tanesh va tahdid)**. Tehran:jehade Dneshgahi tarbeyatmoalemPublication, 2000.

21- Mohamadi, Nasser. **Geografeyaie keshvarehay hamjeva- r:Pakestan**. Tehran: sazeman GeographyayeiPublication, 2005.

22-Mojtahedzade,pirouz.**geografeyae seyasi va seyasate geografeyaei**. Tehran: samt publication, 2010.

23-verma, shiv kumar.**Energy Geopolitics and iran- Pakistan- india gas pipline**. india: newdehli. Pp.1-10, 2007.